



## اثرات تمرکززدایی مالی بر شاخص توسعه انسانی در ایران

محمد نقیبی<sup>۱</sup>

مجید تنهایی دیلمقانی<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۲/۱۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۰/۱۸

### چکیده

شاخص توسعه انسانی به عنوان یک پروکسی برای توصیف رفاه عمومی بیان می‌گردد، بنابراین، بررسی عوامل تأثیرگذار بر آن حائز اهمیت می‌باشد. تمرکززدایی مالی به عنوان سیاست های مالی از عوامل مهم اثر گذار روی شاخص توسعه انسانی است. در این تحقیق برآن شدیم تا اثر تمرکززدایی مالی را روی بهبود شرایط شاخص توسعه انسانی، با بهره‌گیری از رهیافت خودرگرسیون با وقفه های گسترده (ARDL)، طی سال‌های ۱۳۷۱-۱۳۹۱ برای داده های کشور ایران مورد بررسی قرار دهیم. نتایج تخمین مدل نشان می‌دهد که بخش های تمرکززدایی مالی (شامل تمرکززدایی سهم هزینه، تمرکززدایی سهم درآمد و قدرت خودگردانی) بر شاخص توسعه انسانی تأثیر معنی‌دار دارند. از این رو مهمترین توصیه سیاست‌گذاری این تحقیق آن است که دولت با سیاست های اقتصادی و اختصاص بودجه و توانمندسازی نیروی انسانی و ارتقاء سطح آموزش و بهداشت از طریق تقویت بخشهای تمرکززدایی مالی، موجبات توسعه پایدار، رشد اقتصادی، برابری توزیع درآمد و رفاه را در جامعه فراهم نماید.

**واژه‌های کلیدی:** شاخص توسعه انسانی، تمرکززدایی مالی، رهیافت خودرگرسیون با وقفه های گسترده.

طبقه بندی JEL: O15، G38

۱- استادیار، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد سلماس، ایران (نویسنده مسئول) mohammadnaghibi85@yahoo.com

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی، واحد سلماس، ایران.

## ۱- مقدمه

مشکلات اقتصادی و مشکلات مربوط به دیگر جنبه های توسعه انسانی به عنوان مشکلات درگیر شاخص توسعه انسانی<sup>۱</sup> (HDI) معرفی شده است چنانچه در حال حاضر اندازه شاخص توسعه انسانی کمتر از میانگین ملی می باشد. علاوه بر این، اختلاف توسعه اقتصادی در مناطق مختلف کشور ایران یک مشکل عمده می باشد که ناشی از نابرابری تمرکز مالی در مناطق مختلف کشور است. در واقع، شرایط برای تمرکززدایی مالی در بخشهای درآمد، هزینه، قدرت خودگردانی می بایستی مهیا شود تا توسعه شاخص های عملکردی اقتصادی در کشور بهبود یابد تحت این شرایط، می توان گفت که آیا پیشرفت پایین در زمینه شاخص های توسعه انسانی به علت تمرکز مالی است؟ از آنجا که تمرکززدایی مالی می تواند نقش مهمی در تخصیص کارآمد منابع و بهبود فعالیت های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بازی کند. بسیاری از مطالعات نشان دهنده رابطه بین دولت مرکزی و دولت های محلی و یا دولت محلی دارد. نظریه تمرکززدایی مالی بیشتر در سه نقش تعریف می شود: ثبات، تخصیص و توزیع، در حالی که به نظر می رسد تنها تابع تخصیص مناسب برای نظریه تمرکززدایی مالی است. از آنجا که این سه تابع به اندازه یکسانی مناسب برای تمام مناطق کشورها نمی باشند و نیز توابع ثبات، تخصیص و توزیع در مراحل و زمینه های متفاوت بهره وری متفاوت دارند، می توان گفت اگر تمرکززدایی مالی صحیح اجرا شده باشد کشورها در زمینه پیشرفت و توسعه سوق خواهند یافت. اوتس (۱۹۷۲).

یکی از ارکان تمرکززدایی مالی، واگذاری درآمدها به مناطق محلی است به طوریکه مناطق بتوانند با تعیین پایه نرخ مالیاتی، برای تامین مخارج خود درآمد محلی کسب نمایند. همچنین برای ایجاد تعادل و توازن منطقه ای و کاهش شکاف مخارج و درآمدهای محلی، از طرف نهادهای مرکزی انتقالی به مناطق انجام می گیرد (کیانو و همکاران، ۲۰۰۷)<sup>۱</sup>. توجه به برابری درآمدی در جهت تامین ضروریات زندگی فرد عادی از جمله تامین مسکن، آموزش و پرورش کودکان و تامین بهداشت خانواده نشان می دهد که تفاوت بسیار زیادی بین اعلام برنامه ها و اجرای آنها وجود دارد. هر گاه تضادی بین هزینه ارتقای اجتماعی از یک سو و تشویق و ترغیب به اصطلاح میزان رشد اقتصادی از سوی دیگر به وجود آمده است، ترجیح در رابطه با میزان رشد اعمال

گردیده و وجوه تخصیص یافته برای عدالت به شدت کاهش یافته است. تنها نظامی که بین هدف عدالت اجتماعی و توسعه اقتصادی توازن برقرار می‌نماید، با توجه به مطالعات بررسی شده فوق رابطه تمرکززدایی مالی و شاخص توسعه انسانی تشریح شده است که شامل متغیرهای شاخص توسعه انسانی، تمرکززدایی مالی هزینه، متغیرهای تمرکززدایی مالی درآمد، قدرت خودگردانی، نرخ شهرنشینی و تولید ناخالص داخلی، می‌باشد که می‌توان با نتایجی که از تحقیق بدست خواهد آمد راهکارهای اقتصادی و سیاسی مفید را برای بهبود شرایط رفاهی و کاهش فقر و ارتقای عدالت اجتماعی پیشنهاد نمود.

## ۲- مبانی نظری

### ۲-۱- مفهوم تمرکززدایی

در نظریه های اقتصادی، تمرکززدایی عبارت است از انتقال مسئولیت و وظایف برنامه ریزی، مدیریت و گردآوری و تخصیص منابع از سوی دولت و سازمانهای مرکزی به واحدهای منطقه ای، وزارتخانه ها، واحدهای رده پایین در سطوح مختلف دولت، شرکت های دولتی نیمه مستقل، مقامات مسئول محلی و سازمانهای غیر دولتی. نوع تمرکززدایی بسته به میزان انتقال قدرت و آرایش نهادی که در تمرکززدایی مورد استفاده قرار می‌گیرد، تعیین می‌شود. دامنه تمرکززدایی می‌تواند از واگذاری اختیارات اجرایی روزمره تا واگذاری قدرت جهت انجام وظایف خاص متغیر باشد. بنابراین از جهت انتقال اختیارات به واحدهای محلی جهت برنامه ریزی و اجرا می‌توان چهار نوع تمرکززدایی را تعریف کرد: تراکم زدایی، تفویض اختیار، واگذاری قدرت و سپردن امور به بخش خصوصی. تراکم زدایی عبارت از واگذاری بخشی از مسئولیتها و اختیارات اداری به سطوح پایین تر در درون وزارتخانه ها می‌باشد. بر این اساس، تراکم زدایی منجر به انتقال بخشی از قدرت به کارمندان محلی می‌شود تا بتوانند پروژه ها را مستقل پیاده نمایند یا دستورالعمل های دولت مرکزی را با شرایط محلی تطبیق دهند. تفویض اختیار فرم دیگری از تمرکززدایی است که در این حالت دولت مرکزی مسئولیت های مدیریت و وظایف مشخصی را به سازمانهایی که خارج از ساختار بروکراسی جاری بوده و تنها به طور غیرمستقیم توسط دولت کنترل می‌شوند واگذار می‌نماید ولی به هر حال مسئولیت نهایی آن وظایف بر عهده دولت مرکزی باقی می‌ماند و انتقال و تفویض اختیار از واگذارکننده اختیار، سلب مسئولیت نمی‌کند. واگذاری قدرت نیز به معنی انتقال کارکردها یا

اختیارات تصمیم‌گیری از دولت مرکزی به دولتهای محلی می‌باشد و در این فرآیند واحدهای دولتی محلی به صورت خودمختار و مستقل عمل نموده و از نظر قانونی از دولت مرکزی مجزا می‌باشند. مقامات مرکزی تنها کنترلی غیرمستقیم و آن هم به صورت مشاور بر این واحدها دارند. این واحدهای محلی عموماً دارای محدوده جغرافیایی معینی هستند و اجرای وظایف واگذار شده را برعهده دارند. بعضی از دولتها به طور کلی بار مسئولیت بسیاری از وظایف را از دوش خود برداشته و آن را به سازمانهای داوطلب و یا شرکتهای خصوصی می‌سپارند. در برخی موارد دولتها مسئولیت را به سازمانهای شبه دولتی نظیر انجمن‌های ملی، تجاری و صنفی، شرکتهای تعاونی، احزاب سیاسی و مذهبی واگذار می‌نمایند. این سازمانها مسئولیت صدور، تنظیم برنامه‌ها و نظارت بر فعالیت اعضای خود را در انجام وظایفی که قبلاً به وسیله دولت اجرا یا تنظیم می‌گردید، به عهده دارند و دولت طرح تمرکززدایی را از طریق انتقال مسئولیتهای خویش در اموری چون ارائه خدمات به بخش خصوصی اجرا می‌نماید. بنابراین انواع تمرکززدایی یاد شده، فرآیندهایی هستند که بر مبنای آن دولتهای مرکزی اثربخشی و قابلیت انعطاف خود را از طریق اداره‌های منطقه‌ای و محلی در ارائه خدمات دولتی و عمومی افزایش می‌دهند (فرزین‌وش و همکاران ۱۳۸۸)<sup>۲</sup>.

### ۳-۲- انواع تمرکززدایی

چهار نوع عمده تمرکززدایی که می‌توانند به طور موثر در کاهش تمرکز در یک منطقه کمک کنند، عبارتند از:

#### • تمرکززدایی اداری

عبارت است از انتقال مسئولیت، بودجه بندی و مدیریت وظایف عمومی از دولت مرکزی به واحدهای سطوح پایین‌تر، موسسات نیمه مستقل دولتی یا به ادارات و دستگاه‌های هادرمناطق کشوری. هدف تمرکززدایی اداری اصلاح سلسله مراتب و توزیع وظایف اختیارات میان دولت مرکزی و سطوح پایین‌تر از مرکز است. عدم تمرکز اداری در کنار عدم تعمرکز سیاسی، موجب ترکیب «دموکراسی محلی» با «کارایی فنی» می‌شود که نتیجه آن کارآمدی دولت خواهد بود.

### • تمرکززدایی مالی

دربرگیرنده انتقال دو موضوع است: الف) بودجه، ب) قدرت و اختیار ایجاد درآمد و تصمیم‌گیری در مخارج. یعنی همزمان هم بودجه‌کشی به حکومت‌های محلی انتقال یافته و هم قدرت و اختیار تصمیم‌گیری در مورد خرج آن و ایجاد درآمدهای مورد نظر تفویض شود.

### • تمرکززدایی سیاسی

هدف تمرکززدایی سیاسی واگذاری قدرت بیشتر به شهروندان و نمایندگان آنها در تصمیم‌سازی‌های عموم است. عدم تمرکز سیاسی را شامل عدم تمرکز در قانونگذاری، دموکراسی صنعتی و مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌های محلی می‌داند. در عدم تمرکز قانونگذاری، اداره بعضی از امور در یک منطقه یا محل به عهده نمایندگان منتخب مردم همان منطقه یا محل گذاشته می‌شود که موجب ایجاد حکومت‌های محلی می‌شود. مشارکت عمومی در اداره امور محلی عبارت است از: مشارکت مستقیم همه مردم در امور محلی و منطقه‌ای. عدم تمرکز سیاسی، موجبات نفوذ شهروندان و نمایندگان آنها را در تدوین و اجرای سیاست‌های محلی فراهم می‌سازد طرفداران این نوع تمرکززدایی معتقدند تصمیماتی که با مشارکت بیشتر اتخاذ می‌شوند به شکل مطلوب‌تری منافع گروه‌های مختلف جامعه را برآورده می‌سازند تا تصمیماتی که فقط نخبگان سیاسی اتخاذ می‌کنند.

### • تمرکززدایی اقتصادی

شامل انتقال وظایفی که قبلاً به طور اختصاصی توسط دولت انجام می‌شده به بخش خصوصی (خصوصی‌سازی و مقررات زدایی) است. عدم تمرکز اقتصادی در بخش صنعت (انتقال اختیارات از طرف سطوح بالای دولت به هیئت‌مدیره موسسات و شرکت‌های دولتی نسبتاً مستقل) و در برنامه‌ریزی اقتصادی منطقه‌ای (ایجاد و توسعه برنامه‌ریزی به منظور فراهم آوردن داده‌های برنامه‌ریزی در سطح ملی) را در نظر می‌گیرد. در سال‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ نظریه دولت حداقل، در پاسخ به حملات اقتصاددانان به نقش و اندازه دولت شکل گرفت. خصوصی‌سازی گسترده و واگذاری انجام کارهای دولت به دیگران توسط قرارداد، دو طریق کاستن از دامنه و اندازه دولت

گردیده است (کمالی، ۱۳۹۳)<sup>۳</sup>. در تحقیق حاضر بعد مالی تمرکززدایی مورد توجه است. در یک نظام غیرمتمرکز انتظار میرود که دولتهای محلی نسبت به سلاقی و نیازهای محلی بهتر پاسخگو باشند و رقابت میان واحدهای محلی در ارائه کالاها و خدمات عمومی افزایش پیدا کند. در ادبیات اقتصادی، تمرکززدایی مالی در جهت افزایش بهره‌وری و کارایی دولتها، بهبود کیفیت مداخله و انجام بهتر وظایف اقتصادی دولت و کاهش فساد مالی مورد توجه قرار گرفته است. در تمرکززدایی مالی، دولتهای محلی در مورد منابع درآمدی و مالیاتها و انجام مخارج و ترکیب آنها تصمیم‌گیری می‌کنند. بر طبق نظر جعفری صمیمی، از دیدگاه مالی، تمرکززدایی؛ انتقال مدیریت منابع و انجام مخارج و کسب در آمد از دولت مرکزی به دولتهای محلی و استانی و در نتیجه استقلال مالی آنها می‌باشد. ایجاد رابطه نزدیک تر بین نقش دولت و مردم در اقتصاد و کاهش نقش دولت مرکزی در عرضه و ارائه برخی از کالاها و خدمات عمومی از اهداف تمرکززدایی مالی می‌باشد. طبق نظر ادوین کی، تمرکززدایی مالی به معنی واگذاری اختیارات از دولت مرکزی به دولتهای محلی (ایالات، مناطق و شهرداریها)، با توجه به اختیارات اجرایی و در اختیار گذاردن منابع مالی برای اجرای وظایف می‌باشد. نقش دولتهای محلی و ایالتی در کشورهای مختلف به دلایل سیاسی، تاریخی و اقتصادی با یکدیگر متفاوت است. در کشورهای در حال توسعه نقش دولتهای ایالتی و محلی نسبت به کشورهای صنعتی کمتر است. برای اندازه‌گیری اهمیت و نقش دولتهای محلی و ایالتی می‌توان سهم نسبی مخارج (درآمدها یا مالیاتها) آنها را در کل مخارج (درآمدها یا مالیاتها) دولت محاسبه کرد. اگر چه اهمیت دولتهای ایالتی و محلی در کشورهای در حال توسعه کمتر از کشورهای پیشرفته است، در برخی از کشورهای در حال توسعه مانند آرژانتین، برزیل، کلمبیا، هندوستان، کره شمالی، نیجریه و یوگسلاوی، دولتهای ایالتی و محلی نقش قابل توجه و مهمی در اقتصاد بخش عمومی این کشورها ایفا می‌کنند. (ذاکری، ۱۳۸۷)<sup>۴</sup>.

## ۲-۳- شاخص توسعه انسانی

شاخص توسعه انسانی، با نشان دادن دامنه قدرت انتخاب و گسترش قابلیت‌های انسان، معیار مناسبی در تعیین سطح زندگی انسانی است و جایگاه کشورها را در دستیابی به توسعه انسانی نشان می‌دهد. در نظریات اقتصادی (اقتصاددانان کلاسیک) انسان به عنوان یکی از نهادهای تولید در چرخه

تولید کالا و خدمات مورد توجه بود و سرمایه فیزیکی را عامل تشکیل دهنده ثروت کشور می دانستند (آدام اسمیت، کارل مارکس، ریکاردو). اما، منتقدین نظریات کلاسیک ها، انسان را مبدا توسعه معرفی می کنند؛ نظریه های تازه رشد، متکی بر انسان است. به این معنا که سرمایه گذاری بر روی انسان را معتبرترین شرط حرکت به سمت توسعه بهینه اقتصادی می دانند و تاکید می کنند که توسعه یافتگی بدون کاهش نابرابریها و محرومیتها، به دست نخواهد آمد (سولو، جونز، شومپتر) مفهوم توسعه انسانی، به مراتب گسترده تر از مفاهیم قراردادی توسعه اقتصادی است، زیرا الگوهای رشد اقتصادی عموماً با گسترش تولید ناخالص ملی اندازه گیری می شود، تا بهبود کیفیت و سطح زندگی انسان (ملکی، ۱۳۸۲). توسعه انسانی، سه بعد از زندگی را در بر دارد. این سه بعد عبارت است از: زندگی طولانی و سالم، دانش و سطح استاندارد. زندگی طول عمر: امید به زندگی در بدو تولد، نرخ زنده ماندن نوزاد دانش: باسواد بزرگسالان، نرخ ثبت نام دختران و تعداد دانشمندان و متخصصان تحقیق و توسعه سطح زندگی: درآمد سرانه، تعداد نیروی کار بعنوان درصدی از جمعیت، تعداد جمعیتی که به آب سالم دسترسی دارند.. شاخص امید به زندگی، دستیابی نسبی هر کشور به امید به زندگی را در بدو تولد اندازه گیری می کند. حداقل سن برای امید به زندگی در بدو تولد ۸۵ سال و حد اکثر ۲۵ سال است. شاخص آموزش، از ترکیب دو شاخص درصد باسواد بزرگسالان و شاخص نسبت ترکیبی ثبت نام ناخالص در سطوح مختلف تحصیلی به دست می آید (عباسپور، ۱۳۹۰).

## ۲-۴- رابطه تمرکززدایی مالی و شاخص توسعه انسانی

افزایش منابع مالی حاصل از تمرکز زدایی به عنوان کمک های مالی می تواند به افزایش برابری در مناطق ایالتی و ولایتی در جوامع بیانجامد چنانچه با افزایش مخارج بهداشتی - اجتماعی موجب بهبود شرایط آموزشی و بهداشتی می گردد (سوئجوتو، ۲۰۱۵). شاخص توسعه انسانی اقشار جوامع علاوه بر اینکه متأثر از نرخ فقر و درآمد دولت است متأثر از سیاست های مالی نیز می باشد. اگر دولت محلی یا مرکزی دارای تمرکز مالی نباشد نابرابری درآمد گسترده تر خواهد شد. لذا اثرات کلی شامل شاخص توسعه انسانی می گردد. در مطالعات سونگ (۲۰۱۳)، عدم تمرکز انتقال قدرت بیش از حد به دولت های محلی (عدم قدرت استقلال)، در نتیجه بزرگ

شدن شکاف طبقاتی در استان ها است. سیستم های مالی که تمرکززدایی ندارند در آنها نقل و انتقال منابع از مناطق غنی تر به مناطق فقیرتر کاهش می یابد، و در نتیجه باعث افزایش نابرابری در هزینه های عمومی می گردد. و نیز در مطالعاتی نشان داده شده است که اگر دولت مرکزی قادر به دریافت مالیات نباشد در انجام خدمات آموزشی و بهداشتی ناکارآمد بوده و به میزان آن، درجه توسعه یافتگی کاهش می یابد. در بررسی دیگر تمرکز مالی با تحرک سرمایه کامل در مناطق ممکن است با اختصاص بودجه بندی منجر به ترویج رشد اقتصادی و توسعه انسانی شود. طی بررسی های کمار و همکاران (۲۰۰۷)، مخارج عمومی در سلامت و کاهش مرگ و میر کودکان (مرگ و میر) در برخی از کشورها با تمرکززدایی مالی بهینه انجام شده است. مخارج آموزشی و سرانه مراقبت های بهداشتی بالا، منجر به شاخص آموزش و امید به زندگی بالا می شود. چنانچه، زمانی که بودجه بالاتری برای مخارج آموزش و پرورش و بهداشت عمومی اختصاص داده شود، دسترسی جامعه به خدمات آموزشی و بهداشتی سهل تر خواهد شد. که نهایتاً منجر به افزایش شاخص آموزش و شاخص امید به زندگی می گردد.

### ۳- سوابق پژوهش

در تحقیق شاهدانی و همکاران (۱۳۹۱)<sup>۵</sup> تمرکززدایی مالی با دو شاخص تعریف شده (تمرکززدایی از اعتبارات عمرانی ملی و تمرکززدایی از اعتبارات عمرانی تخصیصی به استان)، بر رشد اقتصادی و توزیع درآمد استان ها تاثیر مثبت داشته است، به طوری که یک درصد افزایش در تمرکززدایی مالی، نرخ رشد اقتصادی را تا سطح ۰/۰۴ درصد افزایش می دهد. در مطالعه رنانی و همکاران (۱۳۸۴)<sup>۶</sup> رابطه تمرکززدایی مالی و اندازه دولت جمعی، ملی و استانی از دو زاویه بخش عمومی و بودجه عمومی بررسی می شود. در بررسی این رابطه از منظر کارایی، از متغیرهای کنترلی شهر نشینی، درآمد سرانه واقعی، تجارت خارجی و سهم درآمد های نفت و گازی دوره ۱۳۶۸-۱۳۸۲ استفاده شده است. نتایج تحقیق نشان می دهد که اولاً، رابطه تمرکززدایی مالی مخارج با اندازه دولت جمعی و ملی منفی است، ولی با اندازه دولت استانی مثبت است. ثانیاً، رابطه میان تمرکززدایی مالی، درآمد و اندازه دولت استانی معنی دار نیست. ثالثاً، رابطه میان متغیر نهادی عدم توازن عمودی و اندازه دولت استانی، ملی و جمعی مثبت است. همچنین، نتایج



برآورد پارامترهای متغیر کنترل نشان می دهد که طی این دوره، اثر مستقیم سهم درآمدهای نفت و گاز بر اندازه دولت ناچیز است، در حالی که رشد درآمد ملی سرانه واقعی و تجارت خارجی در ایران، اندازه دولت را گسترش می دهد. حبیب، و همکاران (2003) با استفاده از مجموعه داده های پانل و تاثیر مثبت تمرکز مالی در بهداشت و آموزش در میان استان های کشور آرژانتین دریافت که مقایسه ی میزان مرگ و میر نوزادان و نتایج آموزشی بین استان های با درآمد بالا و پایین طی سالهای 1970-1994 به طور قابل توجه چشمگیر است. تیمبرنان (1998)<sup>۸</sup>، در یک مطالعه تجربی در فیلیپین نشان داد که هر چه تمرکززدایی مالی و اداری در این کشور افزایش یابد، شناسایی مناطق محروم و نیازهای آنان آسان تر و سریع تر انجام می گیرد و روند کاهش فقر در آن مناطق فزونی خواهد داشت. مارتینز و مک ناب (2005)<sup>۹</sup> با استفاده از داده های تابلویی ۴۵ کشور نشان دادند تمرکززدایی مالی، بی ثباتی کلان اقتصادی (نرخ تورم) را در کشورهای منتخب کاهش می دهد ولی تمرکززدایی مالی به طور مستقیم رشد اقتصادی را تحت تاثیر قرار نمی دهد. بنابراین تمرکززدایی مالی از طریق تاثیر مثبت بر ثبات کلان اقتصادی، رشد اقتصادی را به طور غیر مستقیم افزایش می دهد و با افزایش رشد اقتصادی و کاهش نابرابری های اجتماعی و اقتصادی موجبات پیشرفت و توسعه انسانی را مهیا می سازد.

شکیرا (2006)<sup>۱۰</sup> به بررسی رابطه بین تمرکز مالی و فقر برای ۲۰۰ کشور ۱۹۶۵-۲۰۰۰ پرداخت. او برخی از نسبت تمرکززدایی مانند تمرکززدایی سهم هزینه، تمرکززدایی سهم آموزش و تمرکززدایی سهم سلامت را طبقه بندی کرد. داده های فقر که درصد افراد زندگی در خانواده های زیر ۵۰ درصد از متوسط درآمد خانواده است. او به طور جداگانه اندازه گیری تاثیر تمرکز زدایی از این نسبت ها را بررسی کرد. برای سطوح متوسط تمرکززدایی مالی، بین کاهش فقر اندازه گیری شده تحت شاخص توسعه انسانیو تمرکززدایی مالی اثر داده شده رابطه منفیشان داده شده است. در حالی که در سطح بالایی از تمرکززدایی مالی بر خلاف آن، ارتباط مثبتی بین نتایج تمرکززدایی و کاهش فقر وجود داشته است.

پترسون (2002)<sup>۱۱</sup> به بررسی تمرکززدایی مالی در پاکستان پرداخت. که شامل مسائل سیاسی، حکومتی و ارائه خدمات بوده است. وی به بحث در مورد اینکه تمرکززدایی قدرت دولت مرکزی می تواند به بهبود شرایط دولت های محلی با درآمد پایین کمک کند شایان ذکر است شهروندان

دولت های محلی در راه پیشبرد توسعه کشور موثر می باشد. به منظور تقویت توابع شهروندی که شامل: مهارت کارکنان، منابع کافی دولت، تمایل نهادهای دولتی و کارمندان آموزش و پرورش و بهداشت و درمان می باشد، تمرکززدایی مالی بخش های درآمدی- هزینه ضروری می باشد. در مطالعه ای که توسط میاگر (۱۹۹۹)<sup>۱۲</sup> صورت گرفته است. تمرکززدایی مالی به عنوان یکی از ابزار ضروری برای بهبود رشد اقتصادی، کارآمد ارائه خدمات عمومی و زیرساخت های بهتر در مورد کشورهای در حال توسعه می باشد. مطالعات بسیاری در مورد عدم تمرکز مالی انجام گرفته است. ارائه خدمات بخش اجتماعی کارآمد با تمرکززدایی مناسب نتیجه گیری شده است که نتایج کلی حاکی از رابطه مثبت و معنادار در موارد گفته شده است.

دستاوردهای تمرکز زدایی در سطح کشور هند توسط کیران (۲۰۰۵)<sup>۱۳</sup> مورد مطالعه قرار گرفت. نتایج بررسی داده های پانل برای ۱۶ استان کشور هند طی سالهای ۲۰۰۱-۱۹۸۰ نشان می دهد که تمرکززدایی اثر مثبت بر استاندارد زندگی ساکنان مناطق کشوریدارد. که بیشتر شامل بسیاری از متغیرهای اجتماعی مانند هزینه های آموزش و بهداشت برای پیدا کردن تاثیر تمرکززدایی در بخش های اجتماعی می باشد که از مزایای مناطق بدون تمرکززدایی متفاوت است. همچنین تمرکززدایی مالی اثر مثبت بر رشد اقتصادی دارد، که به صورت سود کمتر برای مناطق ضعیف و سود بالاتر برای مناطق ثروتمند اعمال می گردد و نهایتاً "منجر به توسعه نابرابری درآمد در میان مناطق مختلف کشور می شود.

هالدر (۲۰۰۷)<sup>۱۴</sup> به اندازه گیری تمرکززدایی مالی توسط سه نسبت متفاوت پرداخت که شامل نسبت مصرف، نسبت درآمد و نسبت هزینه می باشد. در حالی که آخرین نسبت از قدرت توضیحی بیشتری از دو مورد قبلی برخوردار بود. نتایجی که از اثرات تمرکززدایی در شاخص توسعه بدست آمد حاکی از آن بود که تمرکززدایی با شاخص امید به زندگی همبستگی مثبت و با تولید ناخالص داخلی و میزان مرگ و میر نوزادان همبستگی منفی دارد.

#### ۴- معرفی مدل و متغیرها

در این بخش از مطالعه، به بررسی تجربی اثر تمرکززدایی مالی بر شاخص توسعه انسانی در ایران با استفاده از اطلاعات سالیانه ۱۳۷۱ تا ۱۳۹۱ پرداخته شده است. آزمون ریشه واحد دیکی فولر

انجام گرفته متغیرها نایستا ثبت می گردد، لذا تجزیه تحلیل های اقتصادسنجی با استفاده از نرم افزار Microfit و روش اقتصادسنجی خودرگرسیون با وقفه های گسترده (ARDL) انجام شده است.

فرم عمومی مدل مورد استفاده، برگرفته از مدل خطی زیر می باشد:

$$HDI = \beta_0 + \beta_1 FDt + X_t \gamma + \epsilon_t$$

در مدل فوق HDI نشانگر شاخص توسعه انسانی است که به عنوان متغیر وابسته وارد شده است. که داده های مربوطه از سایت UNDP جمع آوری گردیده شده است.

FDt شامل متغیرهای توضیحی مدل، تمرکززدایی مالی می باشد که از طریق متغیرهای تمرکززدایی سهم هزینه دولت SS و تمرکززدایی سهم درآمدی دولت RS و تمرکززدایی قدرت خودگردانی AP اثر داده خواهد شد. که داده های خام متغیرهای مذکور شامل هزینه ها، درآمد های استانها و هزینه ها، درآمدهای کل کشور از اداره سازمان برنامه و بودجه کشور ایران جمع آوری شده است.

تمرکززدایی سهم هزینه SS: نسبت هزینه استان ها به مجموع هزینه های کل کشور در هر سال می باشد.

تمرکززدایی سهم درآمد RS: نسبت درآمد استان ها به مجموع درآمدهای کل کشور در هر سال می باشد.

قدرت خودگردانی AP: مفهوم مهمی در تمرکززدایی مالی است منظور از قدرت خودگردانی استانی این است که هزینه های استانی هرچه بیشتر از محل درآمدهای استانی تامین گردد. که بصورت نسبت درآمد استان به هزینه استان برای هر سال محاسبه می شود.

xt متغیر کنترل تعریف می شود که شامل تولید ناخالص داخلی سرانه (GDP per) و نرخ شهرنشینی (Urban) می باشد. داده های مربوطه از سایت WDI جمع آوری شده است.

## ۴-۱- آمار توصیفی متغیرها

آمار توصیفی شامل مجموعه روش‌هایی است که به ازای جمع‌آوری، خلاصه کردن، طبقه بندی و توصیف حقایق عددی به کار می‌رود. در واقع این آمار داده‌ها و اطلاعات پژوهش را توصیف می‌کند و طرح و الگوی کلی از داده‌ها برای استفاده سریع و بهتر از آنها به دست می‌دهد. در یک جمع بندی با استفاده مناسب از آمار توصیفی می‌توان ویژگی‌های یک دسته از اطلاعات را بیان کرد. پارامترهای مرکزی و پراکندگی به همین منظور به کار می‌روند. کارکردهای این معیارها این است که می‌توان خصوصیات اصلی مجموعه‌ای از داده‌ها را بصورت یک عدد بیان کنند و بدین ترتیب افزون بر آن که به فهم بهتر نتایج یک آزمون کمک می‌کنند، مقایسه نتایج آن آزمون را با آزمون‌ها و مشاهدات دیگر نیز تسهیل می‌نماید. آمار توصیفی بخشی از تجزیه و تحلیل یک محقق را تشکیل می‌دهد که این آمار در جدول زیر یا تعداد ۱۲۶ نمونه برای هر متغیر در طی سالهای ۱۳۹۱-۱۳۷۱ ارائه شده است.

در این تحقیق نیز با تعداد ۱۲۶ داده، میانه از طریق میانگین گیری از همین دو عضو بدست آمده است. مقایسه ی میانگین مشاهدات با میانه ی آنها و اختلاف اندک آنها بیانگر معمول بودن توزیع مشاهدات است. انحراف معیار نیز عددی است که نشان دهنده نحوه پراکندگی داده‌ها اطراف مقدار میانگین همان داده‌ها می‌باشد. در بین متغیرهای تحقیق نیز متغیرهای شاخص توسعه انسانی، تولید ناخالص داخلی و نرخ شهرنشینی بیشترین انحراف را حول میانگین خود داشته است. یکی دیگر از استفاده‌هایی که می‌توان از نماگرهای آمار توصیفی داشت، قضاوت در مورد نرمال یا غیرنرمال بودن داده است. با استفاده از مقادیر ارائه شده برای چولگی و کشیدگی متغیرها می‌توان به نرمال بودن نرمال نبودن توزیع داده‌ها پی برد. چولگی برابر با گشتاور سوم نرمال شده است. چولگی در حقیقت معیاری از وجود یا عدم تقارن تابع توزیع می باشد. کشیدگی برابر با گشتاور چهارم نرمال شده است، به عبارت دیگر کشیدگی معیاری از تیزی منحنی در نقطه ماکزیمم است مقدار کشیدگی برای توزیع نرمال برابر ۳ می باشد. بنابراین متغیرهای فوق توزیع نرمال متوسطی دارند.

جدول ۴-۱- آمار توصیفی متغیرها

URBAN	GDP per	AP	RS	SS	HDI	تعداد نمونه	
نرخ شهرنشینی	تولید ناخالص داخلی سرانه	قدرت خودگردانی	تمرکززدایی سهام درآمد	تمرکززدایی سهام هزینه	شاخص توسعه انسانی	میانگین	126
65.223	23596273	1.1218	0.20127	0.21686	0.669	میان	126
66.172	16187336	1.2125	0.19468	0.16055	0.641	حداکثر	126
71.769	800922	1.5340	0.338437	0.27711	0.766	حداقل	126
57.653	113973	0.7358	0.101402	0.09428	0.618	انحراف معیار	126
19.5533	1.1002	0.8119	0.2506	0.3226	0.04518	چولگی	126
13.823	6.2562	0.0670	3.8816	4.8065	0.0142	کشیدگی	126
0.52385	3.03198	3.11721	1.406315	2.7363	3.812415		

منبع: یافته‌های پژوهشگر

## ۴-۲- برآورد الگوی کوتاه مدت مدل بر اساس آزمون ARDL

در تخمین مدل با الگوی ARDL ابتدا مدل پویای کوتاه مدت آن به صورت جدول (۲) ارائه می شود که وقفه بهینه متغیرها بر اساس معیار شوارتز- بنزین به صورت  $ARDL(1,0,1,1,1,1,1)$  می باشد.

جدول (۲) نتایج بدست آمده از برآورد الگوی کوتاه مدت مدل

	ضرایب برآورد شده	انحراف معیار	(احتمال) آماره t
Lhdi(-1)	.45610	.12632	2.0153
LRS	.094701	.018937	.50009
LRS (-1)	-.024291	.018059	-1.3451
LSS	.066539	.016035	.41496
LSS(-1)	.037929	.014208	2.6696
LAP	-.011584	.020281	-.57117
LAP(-1)	.054554	.021024	2.5949
LGDP	-.0091745	.081716	-.11227
LURBAN	16.9428	10.6623	1.5890
LURBAN(-1)	-15.4569	9.5116	-1.6251
R2=.99444 - R=.98827 DW=2.4370 F= 161.0587			

منبع: یافته‌های پژوهشگر

نتایج تخمین نشان می دهد که همه متغیرها در سطح ۹۵٪ معنی دار هستند و یک واحد افزایش در وقفه ی توزیع شاخص توسعه انسانی باعث افزایش ۰/۴۵ درصدی شاخص توسعه انسانی می گردد. آزمون معنی دار و دارای اثر مثبت می باشد. با افزایش یک واحدی در تمرکززدایی سهم درآمد، شاخص توسعه انسانی ۰/۰۹ درصد افزایش می یابد و آزمون معنی دار با اثر مثبت است. لذا با یک وقفه در تمرکززدایی سهم درآمد شاخص توسعه انسانی ۰/۰۲ درصد کاهش می یابد. یک واحد افزایش در تمرکززدایی سهم هزینه باعث افزایش ۰/۰۶ درصدی شاخص توسعه انسانی میشود. لذا با یک وقفه در تمرکززدایی سهم هزینه، شاخص توسعه انسانی ۰/۰۳ درصدی افزایش می یابد. با افزایش یک واحدی تمرکززدایی قدرت خودگردانی، شاخص توسعه انسانی ۰/۰۱ درصدی افزایش می یابد آزمون معنی دار با اثر مثبت مشاهده می شود. لذا با افزایش یک واحد تمرکززدایی قدرت خودگردانی با یک وقفه، افزایش ۰/۰۵ درصدی شاخص توسعه انسانی مشاهده می گردد. در بررسی های متغیر کنترل مشاهده می شود که با افزایش یک واحدی در نرخ شهرنشینی افزایش ۱۶/۹۴ درصدی در شاخص توسعه انسانی وجود دارد. و نیز با افزایش یک واحدی در نرخ شهرنشینی با یک وقفه کاهش ۱۵/۴۵ درصدی شاخص توسعه انسانی میشود. همچنین با افزایش یک واحدی در تولید ناخالص داخلی، شاخص توسعه انسانی ۰/۰۰۹ درصدی کاهش می یابد. آماره  $F(۱۶۱/۰۵)$  دلیل بر معنی دار بودن رگرسیون می باشد و با اطمینان ۱۰۰٪ فرضیه صفر مبنی بر صفر بودن همه ضرایب الگو را رد می کند.

#### ۳-۴- برآورد بلندمدت مدل بر اساس آزمون ARDL

حال برای اطمینان از اینکه رابطه بلندمدت حاصل از این روش کاذب نباشد، از روش ARDL شده است استفاده میکنیم. اگر  $t$  شده توسط بنرجی، دولادو و مستر که برپایه آزمون از مقدار بحرانی جدول بنرجی و همکاران (1992) بیشتر باشد، وجود رابطه  $t$  کمیت آماره بلندمدت تأیید میشود. با توجه به رابطه (5) خواهیم داشت.

$$t = \frac{\sum_{i=1}^m \beta_i - 1}{\sum_{i=1}^m s\beta_i} = \frac{0/45610 - 1}{.12632} = -7.460302$$

مقایسه آماره محاسباتی (-7.460302) باکمیت بحرانی این آزمون در سطح % 95 درصد جدول بنرجی و همکاران (1992)، و از این نظر که از مقدار بحرانی بنرجی، دولادو و مستر بیشتر است فرضیه صفر مبنی بر عدم وجود رابطه بلندمدت رد می شود و فرضیه مقابل وجود رابطه بلندمدت (هم جمعی) بین متغیرهای مدل را تأیید میکند. لذا تخمین ضرایب بلندمدت مدل در جدول (۳) ارائه میشود.

جدول ۳- نتایج بدست آمده از برآورد الگوی بلندمدت مدل

	ضرایب برآورد شده	انحراف معیار	(احتمال) آماره t
LRS	.027250	063409	-4.2975
LSS	.081968	.062659	1.3082
LAP	.079003	.073628	1.0730
LURBAN	- 2.7320	3.3621	.81259
LGDP	.016868	.15344	-1.10994

منبع: یافته‌های پژوهشگر

در بلندمدت همه متغیرها در سطح ۹۵٪ معنی دار بوده و از علائم مورد انتظار برخوردار میباشند. نتایج حاکی از آن است که متغیر تمرکززدایی سهم درآمد به صورت افزایشی در بلند مدت بر متغیر شاخص توسعه انسانی به میزان ۰/۰۲ درصد اثر می گذارد. تمرکززدایی سهم هزینه و قدرت خودگردانی نیز در بلندمدت اثر افزایشی بر روی متغیر شاخص توسعه انسانی دارد با توجه به مطالعات انجام گرفته در حوزه شاخص توسعه انسانی، سیستم تمرکززدایی مالی مربوط به سهم هزینه ها، سهم هزینه های عمومی را افزایش داده و هزینه های بخش آموزش و سلامت و بهداشت به کار گرفته می شود. میزان شاخص توسعه انسانی را افزایش می دهد. بنابراین افزایش ۱ واحدی در متغیر تمرکززدایی بخش هزینه، متغیر شاخص توسعه انسانی را به میزان ۰/۰۸ افزایش می دهد. و نیز افزایش ۱ واحدی تمرکززدایی سهم قدرت خودگردانی شاخص توسعه انسانی را به میزان ۰/۰۷ واحد افزایش می دهد. با افزایش ۱ واحدی در متغیر تولید ناخالص داخلی در بلند مدت شاخص توسعه انسانی به میزان ۰/۰۱ واحد افزایش می یابد. افزایش نرخ شهرنشینی جمعیت تاثیر منفی در شاخص توسعه انسانی و همچنین تعامل استانهای کشور در تصمیم گیری های مالی

و خط مشی های مربوط به آن را دارد. بنابراین کاهش ۲/۷۳ واحدی شاخص توسعه انسانی با افزایش ۱ واحدی نرخ شهرنشینی جمعیت قابل مشاهده است.

#### ۴-۴- برآورد الگوی تصحیح خطای مدل

متناسب با هر رابطه ی بلندمدت یک الگوی تصحیح خطا (ECM) وجود دارد که نوسانات کوتاه مدت متغیرها را به مقادیر تعادلی بلندمدت آنها ارتباط می دهد. که نتایج الگوی تصحیح خطای معادله مورد بررسی در جدول زیر ارائه می گردد.

همان گونه که نتایج جدول نشان میدهد، همانند متغیرها در سطح ۹۵ % معنی دار هستند. ضریب جمله ی تصحیح خطا در معادله فوق، که در جدول مشاهده می شود، برابر با ۰/۵۴۳۹۰- برآورد شده است و این رقم بیانگر آن است که تعدیل به سمت تعادل به طور مناسب در هر دوره نسبت به دوره ی بعد انجام می گیرد.

جدول ۴- نتایج حاصل از برآورد الگوی تصحیح خطای مدل

	ضرایب برآورد شده متغیرها	انحراف معیار	(احتمال) آماره t
dLRS	0.0094701	0.018937	0.50009
dLSS	0.0066539	0.016035	0.41496
dLAP	-0.11584	0.020281	-0.57117
dLGDP	-0/00917	0.081716	-0.11227
dLURBAN	0.16	10.6623	1.5890
ecm(-1)	-0.54490	0.22632	-2.4033
R = ۰.۷۱۸۰۴ - R2 = ۰.۴۰۴۷۵ DW-statistic = ۲.۴۳ F = ۳.۸۱۹۹			
ecm = LHDI + ۰.۲۲۷۲۵۰ * LRS - ۰.۸۱۹۶۸ * LSS - ۰.۰۷۹۰۰۳ * LAP + ۰.۱۶۸۸۶۸ * LGDP - ۲.۰۷۳۲۰ * LURBAN + ۱۱.۸۰۹۱ * D			

منبع: یافته های پژوهشگر

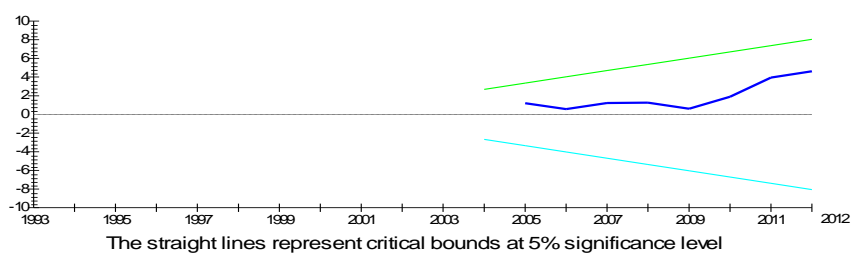
#### ۴-۵- آزمون های ثبات و تشخیص

نهایتاً آزمونهای ثبات ساختاری پسماند تجمعی ۱ و مجذور پسماند تجمعی ۲ که منعکس کننده ثبات در ضرایب تخمینی در طول دوره مورد بررسی هستند را انجام میدهیم. آزمون پسماند تجمعی

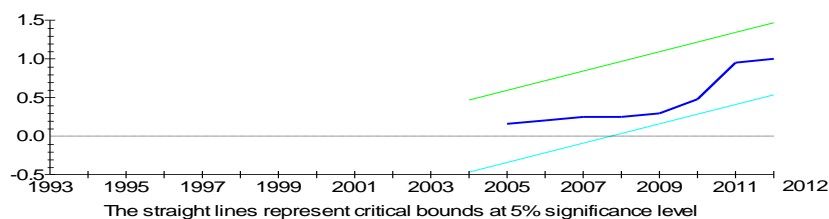


برای یافتن تغییرات سیستماتیک در ضرایب رگرسیون و آزمون مجذور پسماند تجمعی زمانیکه انحراف از پایداری ضرایب رگرسیون اتفاقی و ناگهانی است مفید میباشند. اگر نمودار پسماند تجمعی، بین دوخط صاف فاصله اطمینان (۹۵٪) که برابری آنها توسط براون و دیگران ارائه شده قرارگرفت، فرضیه صفر مبنی بر عدم وجود شکست ساختاری پذیرفته میشود. در غیر اینصورت فرضیه وجود شکست ساختار پذیرفته میشود. مطالب فوق در مورد نمودار مجذور پسماند تجمعی نیز صدق میکند (تشکینی، ۱۳۸۴) نمودارهای آزمونهای پسماند تجمعی و مجذور پسماند تجمعی در شکل (۲) نشان داده شده اند.

### Plot of Cumulative Sum of Recursive Residuals



### Plot of Cumulative Sum of Squares of Recursive Residuals



منبع: یافته‌های پژوهشگر

نمودارهای (۱) و (۲) نشان می‌دهد که نمودار پسماند تجمعی و مجذور پسماند تجمعی در بین کرانه‌های بالا و پائین قرار گرفته‌اند، و منحنی وسط هیچ‌یک از خطوط طرفین را قطع نکرده

است. لذا فرضیه صفر مبنی بر عدم وجود شکست ساختاری پذیرفته می‌شود و وجود ثبات ساختاری برای الگوی بررسی شده قابل قبول است.

#### ۵- نتیجه گیری

در این مطالعه اثرات تمرکززدایی مالی بر شاخص توسعه انسانی استانهای مورد بررسی کشور ایران از سال ۱۳۷۱ تا ۱۳۹۱ و منابع داده های متفاوت بررسی و مطالعه شده است. تغییرات اجرایی در ۳ بخش تمرکززدایی مالی سهم هزینه- سهم درآمد و قدرت خودگردانی در ۲۱ سال گذشته بر روی شاخص توسعه انسانی تاثیرگذار بوده اند. سهم هزینه استان ها در سیستم مالی ایران بیشتر تمرکززدایی شده است و دلیل اصلی آن اصلاحات اقتصادی در استان های کشور بعد از جنگ تحمیلی و واگذاری اعتبارات عمرانی و جاری بوده است. در نتایج آزمون ARDL کوتاه مدت و بلندمدت نیز اثرات افزایشی تمرکززدایی هزینه بر شاخص توسعه انسانی حاصل از ۲۵ استان کشور ایران مورد بررسی قرار گرفت. چنانچه با افزایش تمرکززدایی سهم هزینه میزان شاخص توسعه انسانی افزایش پیدا کرد. اصلاحات مالیاتی، توسعه بخش برنامه و بودجه و هدفمندکردن یارانه ها در دوره اخر بررسی در کشور ایران باعث افزایش تمرکززدایی سهم درآمد شده است لذا اثرات مستقیم و افزایشی بین تمرکززدایی سهم درآمد و شاخص توسعه انسانی در کوتاه مدت مشاهده شد که با تمرکززدایی مجدد در بلندمدت اثر افزایشی شدت بیشتری یافت. قدرت خودگردانی و توان اجرایی با صرف هزینه های عمومی در استان ها باعث افزایش تمرکز مالی شده و با افزایش شدید آن، با اصلاح سهم مالیاتی به انتقال و واگذاری منابع مالی و درآمدی به استان ها مربوط بوده است. نتایج حاکی از آن است که در کوتاه مدت، اشتغال و واگذاری منابع مالی تحت قدرت خودگردانی به استان ها باعث افزایش شاخص توسعه انسانی گردیده است و در بلندمدت با واگذاری منابع در مناطق و استان های فقیر تا حدود توانسته است که توزیع نابرابری های درآمد استانی را کاهش داده و تاثیر قابل توجهی بر روی شاخص آموزش و سلامتی مناطق گذاشته است و منجر به شاخص توسعه انسانی چشمگیر شده است. متغیرهای کنترل شده مختلف با وقفه های زمانی در تخمین ها تاثیرات متفاوت در شاخص توسعه انسانی داشته است. با افزایش نرخ شهرنشینی تمرکز مالی با افزایش و تجمع جمعیت در شهرها و کاهش

جمعیت در روستاها با مهاجرت به شهرها کاهش می یابد و به دلایل بیکاری و با پایمال شدن برخی قشرهای کم درآمد شهرنشین بر توزیع برابری درآمد به صورت کاهشی سموثر می باشد و با افزایش نابرابری درآمدی در بین اقشار شاخص توسعه انسانی را کاهش داده است. تولید ناخالص داخلی با افزایش رشد اقتصادی باعث اثر مستقیم و کاهش توزیع نابرابر درآمد و افزایش میزان شاخص توسعه انسانی می شود.

#### ۵-۱- ارائه راهکارهای سیاستی

با توجه به نتایج حاصل از این مطالعه موارد ذیل به عنوان توصیه‌های سیاستی به سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان اقتصادی کشور ایران پیشنهاد می شود:

- ✓ در میان عوامل تأثیرگذار بر رفاه، تمرکززدایی های سهم هزینه اغلب ماهیتی بلندمدت دارند و اختصاص بودجه و اعتبارات بلند مدت بر این متغیر، از سیاست های مهم دولت می بایستی باشد. بهبود تمرکززدایی سهم درآمد نیز از طریق سرمایه گذاری در فعالیت های اقتصادی و اصلاح درآمد های مالیاتی موثر در توزیع عادلانه درآمد بین اقشار کم درآمد مورد توجه قرار گیرد تا از این طریق شاخص های بهداشت، آموزش و امید به زندگی و در کل شاخص توسعه انسانی را بهبود دهد.
- ✓ بر اساس نتایج به دست آمده در این پژوهش دولتمردان کشور ایران می بایستی با افزایش تمرکززدایی های مالی سلامت اجتماعی و شاخص های سلامت اجتماعی را بهبود بخشند تا با افزایش نشاط در جامعه، مسئولیت پذیری اجتماعی را افزایش داده و باعث افزایش بیشتر در شاخص های توسعه انسانی و شاخص های رفاه گردد.
- ✓ اگر استان های کشور در مناطق فقیر و کم درآمد دارای توان اجرایی کافی برای سیاست ها و خط مشی های کشوری باشند، تمرکز مالی با تفاوت بین مناطق ثروتمند و فقیر در کلانشهرها کاهش خواهد یافت.

## فهرست منابع

- ۱) ذاکری، زینت. (۱۳۸۷). رابطه بین تمرکززدایی مالی و فساد در برخی از کشورهای در حال توسعه. پایان نامه کارشناسی ارشد علوم اقتصادی. دانشگاه مازندران. دانشکده علوم اقتصادی و اداری. مهرماه ۱۳۸۷.
- ۲) رنانی، محسن و سامتی، مرتضی و فرازمنند، حسن. ۱۳۸۴. بررسی رابطه تمرکززدایی مالی و اندازه دولت در ایران. پژوهش های اقتصادی ایران. سال هشتم. شماره ۲۶. بهار ۱۳۸۵. صفحات ۱۲۵-۱۵۱.
- ۳) فرزین وش، اسداله و غفاری فرد، محمد. ۱۳۸۵. بررسی تاثیر تمرکززدایی مالی بر رشد و ثبات اقتصادی در ایران. تحقیقات اقتصادی. شماره ۷۷. بهمن و اسفند ۱۳۸۵. از ۱ تا ۲۶.
- ۴) کمالی، یحیی. ۱۳۹۳. بررسی نقش تمرکززدایی در تحقق سلامت اداری. سیاست های راهبردی و کلان. سال دوم. شماره پنجم. بهار ۹۳. صفحات ۱۳۲-۱۱۱.
- 5) A. Soejoto, W. Subroto, Suyanto. Fiscal Decentralization Policy in Promoting Indonesia Human Development. 2015, International Journal of Economics and Financial Issues, 2015, 5(3), 763-771
- 6) Baoyun Qiao, Jorge Martinez-Vazquez, Yongsheng Xu, The tradeoff between growth and equity in decentralization policy: China's experience. 2007
- 7) "Decentralization, Economic Growth, and Macro-stability", International Studies Working Paper 01, Atlanta: Andrew Young School of Policy Studies, Georgia State University.
- 8) George, E. Peterson (2002) Pakistan's Fiscal decentralisation: Issues and Opportunities. The Urban Institute, prepared for World Bank.
- 9) Habib, Huang C., et al. (2003) Decentralisation and Human Development in Argentina. Journal of Human Development 4:1.
- 10) Halder, P. (2007) Measures of Fiscal Decentralisation. Department of Economics, Andrew Young School of Policy Studies, Summer 2007 Internship Programme.
- 11) Kaufman, D., Kraay, A., & Mastruzzi, M., (2008), "Governance matters VI: aggregate and individual governance indicators for 1996-2006", World.
- 12) Kiran, Gajwani (2005) Decentralisation and State-level Gains: An empirical evidence in India, Department of Applied Economic and Management. Prepared for the NEUDC Conference, September 23-25.
- 13) Martinez-Vazquez, J. and R. McNab. (2005). "Fiscal
- 14) Meager, Patrick (1999) Co-operating Against Corruption, Governance, Collective Actions and Jurisdiction Design in Plural Societies. University of Marry Land. (Mimeographed).
- 15) Neumayer, Eric (2001) The human development index and sustainability - a constructive proposal. Ecological economics, 39 (1). pp. 101-114. ISSN 0921-8009.

- 16) Oates, W. (1993), Fiscal Decentralization and Economic Development. National Tax Journal 46(2).
- 17) Rajkumar, Andrew Sunil and Swaroop, Vinaya, Public Spending And Outcomes: Does Governance Matter?, ELSEVIER: Journal of Development Economics, 86, 2008, 96–111.
- 18) Yang SONG, Rising Chinese regional income inequality: The role of
- 19) fiscal decentralization, 2011, School of Economics, Renmin University of China, Beijing 100872, China
- 20) Skira, M. (2006) Fiscal decentralisation and Poverty. Department of Economics, Andrew Young School of Policy Studies. Summer 2006 Internship Programme.
- 21) UNDP (2003) National Human Development Report, 2003. United Nations Development Programme.
- 22) Rajkumar, Andrew Sunil and Swaroop, Vinaya, Public Spending And Outcomes: Does Governance Matter?, ELSEVIER: Journal of Development Economics, 86, 2008, 96–111.
- 23) World Bank, 2011, World Development Indicators, Accessd from 1960 to 2011. <http://www.worldbank.org/data/onlinebases.html>

## یادداشت‌ها

- <sup>1</sup>. human development
- <sup>2</sup>. otes
- <sup>3</sup>. Qiao et al
- <sup>4</sup>. farzinvash et al
- <sup>5</sup>. kamali
- <sup>6</sup>. zakeri
- <sup>11</sup>. shahdani et al
- <sup>12</sup>. renani et al
- <sup>13</sup>. habib et al
- <sup>14</sup>. timberman
- <sup>15</sup>. martinz & macnab
- <sup>16</sup>. shakira
- <sup>17</sup>. peterson
- <sup>18</sup>. miager
- <sup>19</sup>. kiran
- <sup>20</sup>. halder